

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۶ / سال هشتم / بهمن ماه ۹۷ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران





در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۵

با سلام و درود، ص ۳۴

کارگران ذوب آهنی دستمزد مناسب را خواهند! ص ۳۵

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا ص ۳۶

امر اجتماعی، معنای هستی ص ۳۸

دوستان خردمند! ص ۴۰

تلخ و شیرین های کاریم عاشقی ص ۴۱

سروده های حسین امیدی (ارومان) ص ۴۳

بیانیه انجمن یاری کودکان ص ۴۵

زنان؛ گشته ی کار مضاعف! ص ۴۸

مشکلات زنان قالیباف ص ۵۰

تاریخچه جنبش سندیکایی ص ۵۱

پیدایش و تکامل حیات ص ۵۳

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۵۵

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانۀ سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

جنبش کارگری رو به اعتلاست!

در چهل سالگی انقلاب جنبش کارگری باید مواجه با خشونت شود. سندیکا‌های کارگری را وابسته به خارج و چند بی عرضه سیاسی قلمداد مینمایند تا سرکوبش آسان تر شود. چرا یک جریان سیاسی را باید این قدر بزرگ و قدرتمند جلوه داد؟ آیا جنبش کارگری و کوشندگان این قدر نادان و بی تدبیر هستند که چشم به خارج دوخته و از سوی آنان هدایت شوند؟

خیر، همه این کارها برای این است که جنبش رو به اعتلاست و باید با این قبیل تهمت ها کوشندگان را بی شخصیت جلوه داد و جریان بی پرنسیبی را به آن ربط داد.

آنچه کارگران روزمره حس می کنند کوچکتر شدن سفره هایشان است و برنامه ای که نان را از سر سفره هایشان می دزد. تامین اجتماعی رو به ورشکستگی است و این به خاطر مدیرانی است که دولت بر آن گماشته و وزرایی که یکی از دیگری نادان تر و بی لیاقت تر. بی دلیل نیست که شعار «دشمن ما همین جاست» بر زبان مردم جاری است. برنامه ریزی بر پایه سرمایه داری رانتی، مدیرانی بی عرضه و بی لیاقت را می طلبد. این مدیران در قبال فساد و رانت نه تنها سکوت می کنند بلکه خود بانی و جزیی از آن هستند. با این بستر سازی باید کارفرمای فولاد (بانک ملی) این کارخانه مهم و راهبردی را ببندد. کارفرمای هفت تپه باید وام دریافتی را خرج دکوراسیون دفترش کند و مابقی را در جایی دیگر سرمایه گذاری کند تا به این ترتیب کارگر گرسنه و بیکار شده را به خیابان کشانده، سرکوبش کند و بعد هم به بی عرضه گان سیاسی به چسباند.

طبقه کارگر و سندیکا‌های کارگری پس از چهل سال علیه رانت خواری، فساد گسترده که حاصل خصوصی سازی و برنامه های ضد کارگریند به میدان آمده و به مبارزه برخاسته اند.

امروز بعد از ۴۰ سال جامعه در چنبره رانت خواری و فساد فراگیر که برنامه های صندوق بین المللی پول بستر سازش بودند، گرفتار آمده اند. قرار بود سطح معیشت مردم بهبود یابد، بیکاری و فقر از جامعه کنار زده شود و تامین اجتماعی و آزادی بیان و مطبوعات همه گیر شود اما حاصل آن شد که کارگر ششماه به ششماه حقوق نگیرد و نباید هم دم بزند. کارخانه اش را با پارتی بازی به افراد بی مسوولیت و بی عرضه بدهند، بیکار شود، گرسنه بماند ولی حق اعتراض نداشته باشد.

تامین اجتماعی نه تنها رو به گسترش نرود بلکه با دست اندازی و غارت منابع اش ورشکسته شده و دفترچه تامین اجتماعی به ورق پاره ای مبدل شود و همه این اقدامات بس نبود و باید وزیری در وزارت کار بنشیند که بتواند خانواده های کارگری را به گرسنگی بیاندازد. آمدن آقای شریعتمداری به وزارت کار و گران شدن ارز و کوچکتز شدن ۳ برابری سفره های کارگری منجر به اعلام مزد توافقی شد. خصوصی سازی و فساد گسترده کم بود، مزد توافقی هم به آن اضافه شد.

بیکاری تحمیل شده به کارگران ایران به ویژه کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه با خصوصی سازی رانتی و مدیران بی عرضه و دزد کم بود، باید کارگران معترض را به زندان برد و از آنها علیه خودشان اعتراف هم گرفت.

برادران و خوهران مزد بگیر،

جنش کارگری به درستی علیه خصوصی سازی برخاسته که نابودی خانواده های کارگری مان را در دستور کار دارد. حاکمان نمی توانند این خواست ما را نادیده بگیرند و وادارمان کنند چون بردگان زندگی کنیم. ما اعلام می کنیم خصوصی سازی یعنی اعلام مدیران دولتی بی عرضه و فروختن اموال مردم و سر برآوردن بیکاری و بی حقوقی.

مزد توافقی یعنی برده شدن و سر خم کردن برای هر حقارتی.

ندادن بدهی های دولت به تامین اجتماعی و غارت منابع درمان تامین اجتماعی یعنی روزگار پیری همراه با گدایی.

همه اینها یعنی جنبش کارگری باید دست به انتخاب بزند مرگ تدریجی خانواده های کارگری و یا مبارزه علیه برنامه های صندوق بین المللی پول از جمله خصوصی سازی و مزد توافقی.

بی تردید مزد توافقی و خیریه ای محکوم به شکست است. همه این بلاهایی که بر سر جنبش سندیکایی می آورند به این دلیل است که محدودیت را از سندیکاهای کارگری بر ندارند تا کارگران در مبارزه روزمره اشان از این سنگر خود محروم بمانند. دستگیری کارگران و کوشندگان کارگری هم در این راستاست.

ما خواهان آزادی همه زندانیان کارگری و اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی مبنی بر آزادی ایجاد تشکل ها که می گوید: «... هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» اصل ۲۷ قانون اساسی مبنی بر آزادی اجتماعات و اعتصاب ها و اصل سی و هشتم قانون اساسی که می گوید: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود» هستیم.

ما می دانیم تا مبارزه هست، شکست و پیروزی هم هست، اما عقب نشینی نیست.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

اول بهمن ۱۳۹۷

نمایش “طراحی سوخته” بهانه ای برای سرکوب مطالبات و اعتراضات کارگران

بخش خبری “بیست و سی” شبکه دو صدا و سیما با پخش نمایشی شرم آور به نام “طراحی سوخته” تلاش کرده است که مبارزات حق طلبانه کارگران هفت تپه و دیگر نقاط کشور برای حقوق های عقب افتاده و علیه خصوصی سازی و تاراج صنایع کشور را نه تنها به احزاب اپوزیسیون خارج از کشور بلکه وقیحانه به امپریالیسم امریکا و دولت نژادپرست اسرائیل وصل کند. تلاش کرده اند که با تهدید و ضرب و شتم و شکنجه از کارگرانی همچون علی نجاتی و اسماعیل بخشی به اصطلاح اعتراضاتی علیه خود و دیگر کارگران و فعالین کارگری بگیرند. از جمله نموداری جعلی و مملو از تناقض و عاری از هرگونه عقلانیتی درست کرده اند و در آن ناشیانه با چسبانیدن یک سری اسامی تلاش کرده اند، بدون بررسی نقش اختلاس و دزدی های افراد درون حاکمیت در بوجود آمدن اعتصابات و اعتراضات کارگران، به دروغ به بیننده القا کنند که اعتصاب کارگران هفت تپه نتیجه ارتباط برخی کارگران هفت تپه با دیگر فعالین کارگری کشور برای براندازی بوده است! در این شوی تلویزیونی همچنین نقش دزدی های صورت گرفته در واگذاری اموال کارگران و مردم بنام “خصوصی سازی” که بعضا به یک هزارم قیمت واقعی، آن هم با پرداخت وام بانکی سنگین به افراد خودی انجام داده اند، که ریشه اعتراضات و اعتصابات کارگران می باشد، نادیده گرفته می شود.

ارتباط سندیکای کارگران شرکت واحد با دیگر کارگران و تشکلات کارگری در کشور و تشکلات کارگری بین المللی امری بدیهی و مرسوم در همبستگی کارگری برای احقاق حق و حقوق کارگران است. سندیکا از ابتدای تشکیل خود تا به امروز همواره تلاش کرده است که با حفظ استقلال از دولتها، کارفرمایان و سرمایه داران و کلیه جریانات سیاسی بر مبنای منفعت کارگران شرکت واحد و مطالبات مشترک کارگران کشور، از جمله حق دریافت منظم دستمزدها، حق تشکل مستقل کارگری و نیز علیه سیاستهای خائمان برانداز خصوصی سازی، حرکت کند. با این وجود بسیاری از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد از همان ابتدای بازگشایی سندیکا در سال ۱۳۸۴ تا کنون بی وقفه تحت انواع اذیت و آزار و تعقیب های امنیتی و قضایی بوده اند. از یورشهای خشونت آمیز شبانه به منازل اعضای سندیکا تا حبس در سلولهای انفرادی و کتک کاری بی رحمانه تحت بازجویی، تا حمله به تجمعات کارگری و ضرب و شتم شدید اعضای ما به دلیل مطالبه ابتدایی ترین حقوق کارگری خود تا اخراج از کار و بازداشت های متناوب و زندانهای طویل مدت و ادامه این فشارها برای اعضای سندیکا. در حال حاضر پرونده شکایات تشکلات بین المللی کارگری در مورد نقض مستمر و شدید حقوق اولیه کارگری و انسانی اعضای سندیکای

کارگران شرکت واحد کماکان در کمیتۀ آزادی انجمن سازمان جهانی کار مفتوح است و ما نیز همچنان پیگیر آن هستیم و خواهیم بود و اطمینان داریم این اعترافات زیر شکنجه و سرکوب کارگران هفت تپه و فولاد نیز به این شکایات اضافه خواهد گردید.

به مقامات دولتی، قضایی و امنیتی می‌گوییم که به جای پرونده سازی، پاپوش دوزی، تولید این نمایش های ناشیانه که “نمایانگر استیصال مسئولان کشور در مواجهه با مشکلات جامعه” است و اذیت و آزار کارگران و نمایندگان کارگری و فعالین سندیکایی بروید جلوی سرقت اموال عمومی و اختلاس های نجومی و دزدی های کلان را بگیرید. تشکل مستقل و اعتراض حق مسلم و شناخته شده بین المللی کارگران از جمله در ایران است و ما به عنوان یک تشکل مستقل کارگری و همچنین عضو رسمی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل تداوم اذیت و آزار و پرونده سازی علیه اعضای خود و دیگر کارگران عدالت طلب را به گوش کلیه کارگران جهانی خواهیم رسانید.

سندیکای کارگران شرکت واحد این نمایش تلویزیونی حقیرانه و اعترافات اجباری را به شدت محکوم می‌کند و هرگونه اتهام و برجسبی به سندیکای مستقل و مبارز واحد را قویا تکذیب نموده و حق خود میداند که علیه صدا و سیما و قوه قضائیه که اجازه انتشار آنرا داده است رسماً شکایت نماید. ما بازداشت خشونت آمیز اسماعیل بخشی و سپیده و مهدی قلیان بدنبال پخش این نمایش تلویزیونی را به شدت محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی بدون قید و شرط آنها و نیز علی نجاتی و دیگر کارگران و معلمان و فعالان کارگری و دانشجویان حامی کارگر هستیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و

حومه

یکم بهمن ماه ۱۳۹۷

خصوصی سازی و کارگران ایران

خصوصی سازی و تعدیل ساختاری دو وجه از مناسبات نولیبرالیسمی است که در ایران پس از جنگ شاهد کاربردی شدن آن هستیم. بیش از سی سال از این روند می گذرد و دولت های مختلف از اصول گرا و اصلاح طلب و دو دولت اخیر با شک درمانی های ویران گرشان، نشان داده اند که با تعصب و استبداد اندیشه به تداوم این روند ایران بر باد ده، باور دارند و برای کاربردی کردن آن از هر امکانی بهره خواهند برد، برغم مخالفت کارگران و همه حقوق بگیران، تا در عمل نشان دهند پیرو و مجری واپس گرا ترین مناسبات سرمایه داری در جهان هستند. مناسباتی که بر اساس دستورهای صندوق بین المللی پول برای تداوم نظام امپریالیستی می باید همه کشور های پیرامون سرمایه داری را مانند دوران استعماری از تولید صنعتی تهی کنند، تا در بازار جهانی، فضای بیشتری برای فروش کالاهای کشورهای صنعتی پیش رفته غربی فراهم گردد. زیرا در منظومه شمسی به جز کره خاکی ما تمدنی وجود ندارد که بتوان آن را مستعمره کرد و بازارش را تصاحب نمود، در ضمن قطر کهکشانی راه شیری هم، اندازه ای معادل یک صد هزار سال نوری دارد که خارج توان امپریالیست ها برای صدور کالا به آن سوی کهکشان است. پس تنها راه باقی مانده عملیات کاربردی روی همین بازار محدود کره خاکی ماست که بهره برداری از آن تنها دو راه دارد، راه اول تقسیم مجدد بازار به اصطلاح آزاد است. که مانند دوران دو جنگ جهانی اول و دوم خطر امکان قدرت گرفتن مجدد سوسیالیسم علمی را در پی دارد و مزید بر این واقعیت، به دلیل وجود بمب های اتمی در کشورهای مافیایی سرمایه داری در عمل امکان تلاشی زندگی بر این کره خاکی ما را در پی دارد، لذا امری است نا ممکن. ولی راه دوم، اجباری کردن مناسبات نولیبرالی است که دولت های نا فرمان را با تحریم های اقتصادی و حمله نظامی وادار به پذیرش آن می کنند. و بدین گونه به تغیر فضای بازار موجود، می پردازند. در سده های پیش

سرمایه داری با کشتی های توپدارسرزمین های عقب مانده تر را تصاحب می کرد و با نسل کشی در این کشورها قدرت سیاسی را به دست می گرفت، سپس با صادرات کالا های صنعتی کارخانه ای، تولید صنایع دستی آنها را نابود می کرد و فضای اقتصادی برای ساختار بیمار و استثمار گرش فراهم می نمود. ولی انقلاب اکتبر و پیروزی درخشان جبهه کار این روند را متلاشی کرد و برای همیشه به گور سپرد. ولی امروزه با عقب نشینی موقت سوسیالیسم علمی سرمایه داری جهانی بازگشت به دوران استعمار را با دستان فراماسیونرهای داخلی کشورهای عقب رانده شده، کاربردی می کند. این وظیفه امپریالیستی از طریق کاربردی کردن مناسبات نولیبرالی یا همان تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در حال عملی شدن است. مناسباتی که در ایران سه دهه از کاربردی شدن آن می گذرد و در همه این مدت، تمام کارخانه های واگذار شده روند فروپاشی را طی کرده اند. هیچ کارخانه واگذار شده ای را نمی توان نام برد که تعطیل نشده باشد و کارگرانش به خیابان ها ریخته نشده باشند. این شرایط ناهنجار دارای چنان شدت ویرانگری است که داد مشاور ارشد رییس جمهور شک درمانی، جناب روحانی را درآورده است. استاد اقتصاد آمریکایی، دانشگاه های ایران آقای نیلی با اعلام برجام دوم اعتراف کرد که این روند اقتصادی دارای ویژگی خاصی است که دست جانی ترین سرمایه داران جهان را از پشت بسته است و ویرانی آن مختص ایران نیست و حتی دامن پیشرفته ترین اقتصاد های جهانی را به جز چین گرفته است. از این رو از همه مسوولان تقاضا کرد تا برای تجدید نظر در این مناسبات اقتصادی، که اهمیتی در حد برجام را برای سرنوشت کشور دارد بپردازند. (علت کم اثر بودن این ساختار اقتصادی در چین شیوه خاص خصوصی کردن آن است در چین هیچ منابع ملی و کارخانه ای در اختیار بخش خصوصی گذاشته نشده است بلکه از سرمایه داران جهانی دعوت به سرمایه گذاری کردند که با سرمایه خود در چین به احداث کارخانه های تولیدی بزنند و بخش سرمایه داری دولتی هم با نظارت دقیق فعال به رقابت با بخش خصوصی باعث رونق

اقتصادی و رشد بدون توقف در این کشور شده اند) ولی آنها که در حال غارت منابع ملی یک ملت هستند گوش شنوایی ندارند و راه خود را می روند ولی با شیوه های ماکیاولیستی برای فریب مردم به تعدیل ظاهری این روند، می پردازند. نه در عمل بلکه تنها در حرف. با شعارهایی کلی و تهی از واقعیت که می توان از آن برداشت های متفاوتی داشت، حرف از گونه ای از استقلال اقتصادی و حمایت از صنایع وطنی و مبارزه با قاچاق کالا می زنند در حالی که قاچاقی در کار نیست و دلال ها بر اساس مناسبات موجود دولتی به گونه ی آزاد کالا وارد می کنند. تضادی لاینحل، از سویی خصوصی سازی و تعدیل ساختاری را عملی می کنند و تجارت خارجی را آزاد کرده اند و از سوی دیگر در حرف مبارزه با وارداتی که دولت با تعدیل ساختاری و خصوصی سازی درهای داد و ستد کشور را به روی هر کالایی باز کرده است تبلیغ می کنند. مردم که شاهد این همه تضاد در عمل و در حرف هستند و شاهد عینی اختلاس های نجومی و خصوصی سازی هایی که فقر و بیکاری بزرگ امروز را به همراه خود دارد، ناامید از اصلاح طلب و اصول گرا در دیماه ۹۶ برای اولین بار در ایران پس از انقلاب، در بیشتر شهرهای بزرگ و کوچک ایران رو در روی حاکمیت قرار گرفتند. و بدین گونه نشان دادند دیگر به این مناسبات حاکم باور ندارند. و امروزه در سال ۹۷ این پروسه تکامل یافته تر با اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و حمایت مردم شوش و هفت تپه از آن و به میدان آمدن کارگران گروه ملی فولاد اهواز به جانبداری از اعتراضات کارگران هفت تپه و حمایت عملی مردم اهواز و حمایت کارگران هپکو اراک از شعار نفی خصوصی سازی در این برهه از تاریخ مبارزات کارگری ایران نشان دادند که این رویارویی دارای سرشتی عمیقاً ضد سرمایه داری است. و از سوی دیگر حمایت فرهنگیان و دانشجویان و کانون نویسندگان و وکلا و . . . از این درون مایه و سرشت این روند اعتراضی (شعار نفی خصوصی سازی) تحول بزرگی در جنبش اعتراضی کارگران و همه مردم ایران به وجود آوردند و مرتبه ای نو در جنبش ضد

سرمایه داری ایران پی ریزی نمودند. تجربه چهاردهه مناسباتی با پوشش دینی برای عدالت اجتماعی که به یک باره سر از آستین امپریالیستی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در آورد و هارترین نوع سرمایه داری را کاربردی نمود، در عمل به مردم آموخت که این مناسبات واپس گرا باید نفی گردد. این بار نفی مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی است که زیر نقد اجتماعی در آمده است و به همراه آن همه دولت مردانی که بدون اندیشه، سیاست های اقتصادی امپریالیستی را در ایران کاربردی می کنند. واکنش حاکمیت پیرو نولیبرالیستی به سیر این تحولات دستگیری و زندان و بازجویی همراه با "تذیرات" (تغییر نام شکنجه) از کارگران بود و برنامه ریزی برای بی ارزش نشان دادن شخصیت نمایندگان کارگران معترض است. ولی واقعیت ها با این گونه ترفندهای ضد انسانی وارونه نمی شوند، زیرا افرادی مانند آقای بخشی تبلور یک جمع بزرگ از کارگران و مردم مبارز و تحت ستم این ساختار بیمار اجتماعی است از این رو تحقیر او و دیگر نمایندگان کارگران با کمک رسانه های وابسته نمی تواند در اراده مردم ایران برای نفی سرمایه داری هار موجود، تاثیری داشته باشد. چنین فرد پردازش شده و برآیند فریاد و اندیشه های خاموش میلیون های انسانی است که منابع این مملکت را مال خود می دانند و چوب حراج به آن را، نمی پذیرند و برخلاف نگرش قرون وسطایی مراد و مریدی، باور دارند که باید در روند تصمیم گیری برای سرنوشت مناسبات در کشور خود، حق دخالت مستقیم داشته باشند و اراده کرده اند این حق را باز پس بگیرند.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخنگو ناصر آقاجری

۳۰ دیماه ۹۷

نامه سرگشاده به آقای دکتر حسن روحانی رییس جمهور،

اسماعیل بخشی دروغ نمی گوید!

آقای دکتر روحانی، متأسفانه یا وزرای شما احاطه کامل به زیر مجموعه خود ندارند و یا آنان نیز همچون شما، از آنچه در وزارت خانه تحت مدیریتشان می گذرد، بی اطلاع هستند. برای اینکه زیاد حاشیه نرفته باشیم، اعلام می کنیم که در تاریخ ۱۵ تیرماه سال جاری، یک اعتراض خاموش توسط کارگران عسلویه شکل گرفت که در اعتراض به عقب افتادن ۶ ماهه دستمزد خود و نداشتن امنیت شغلی و رد نشدن بیمه های تامین اجتماعی شان بود. در این اعتراض خاموش که پس از یک ساعت، با نظم و بدون هرگونه بی نظمی و راه بندان شکل گرفته بود، ۴ نفر از کارگران به نام های: حسین جشن، روح اله جهان آباد، وحید محمدی و احمدپور دستگیر، و به پاسگاه برده شدند. در پاسگاه آنچه دون شان یک انسان است، بر این کارگران روا داشته شد. از جمله توهین، سیلی، توسری، زدن با کابل به کف پا، مشت و لگد همراه با فحش های ناموسی، و آویزان کردن از سقف و زدن و پاشیدن آب سرد بر روی کارگران.

هر چند که از اول دستگیری، کارگران گفتند که عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک هستند و در یک تظاهرات خاموش شرکت داشتند و هیچگونه بی نظمی و حتا شعاری داده نشده و در پلاکاردهایی که حمل کرده اند، خواهان پرداخت حقوق عقب افتاده خود هستند و این اعتراض، در راستای نامه ای بود که در آذرماه سال گذشته با ۱۰۰۰ امضا که با کدملی، امضا کرده و به خبرگزاری ایلنا و صدا و سیما داده شد تا برای تهیه گزارش از مشکلات کارگران پروژه ای، به آنجا بیایند که با نادیده گرفتن این نامه و درخواست روبرو شد، صورت گرفته اما ضرب و شتم ادامه داشت.

برابر قانون میبایست پس از دستگیری هر کسی به خانواده اش اطلاع داده شود که اطلاعات ناجای عسلویه، چنین کاری نکردند؛ البته از کارگران دستگیر شده برگه ای گرفته بودند و اثر انگشتی در آن بود که متهمان خودشان از زنگ زدن پرهیز کرده اند!!!! هر چند کارگران گفتند که از آنها خواستیم اجازه تماس گرفتن بدهند، که اجازه ندادند. در مورد ضرب و شتم کارگران، به هر دو اکیبی که از اطلاعات تهران به آنجا گسیل شده بودند، مصائبی که بر سرشان آمده را گفتند، ولی آنها در این مورد واکنشی نشان ندادند. حتی در بازداشت موقت، حق ملاقات میبایست، برای بستگان درجه یک داده شود که در این باره دادیاری و اطلاعات، هیچ همکاری و هماهنگی با خانواده های بازداشت شدگان، نداشتند.

جالبتر اینجاست که، جابجایی بازداشت شده، از بازداشتگاه به زندان و دادرسی و دادگاه، وظیفه گروه تحقیقات و نیروی انتظامی بوده و هست. درحالی که چهارصد هزار تومان برای جابجایی بازداشت شدگان، از اطلاعات به زندان بوشهر گرفته شد؛ بگونه ای که مامور بازجوی پرونده، از آنها خواست تا کرایه تاکسی را به آژانس روبروی اطلاعات بدهند و سپس آنها را به زندان انتقال دهند. اینها گوشه ای است از ستم هایی که در میهن بلا کشیده ما رخ داده و می دهد.

جناب آقای دکتر روحانی:

آیا در این مملکت، قحطی کاغذ آمده که برای فراخواندن فرد به اطلاعات و یا هر نهاد دیگری، به جای احضاریه، می باید شبانه به خانه فرد ریخته و خانواده اش را مضطرب و نگران کنند؟؟ مگر روز را از ماموران شما گرفته اند که حتماً باید شبانه وارد عمل شوند، به ویژه کسانی که زندگی معمولی دارند؟؟ به اطلاع شما می رسانیم که آقای مازیار گیلانی نژاد را در ساعت ۱۲ نیمه شب ۱۱ اردیبهشت ۹۳ دستگیر کرده و به خانه اش رفته، کتاب هایش را با خود بردند که هیچگاه پس داده نشد. آقای حمید شرقی را در سال ۹۶ با ضرب و شتم به خانه آورده و به جستجوی خانه اش پرداخته اند.

آقای روحانی، نظر شما را به اصول ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی و همچنین اصل ۱۲۱ که در آن سوگند یاد کرده اید که «... خود را وقف خدمت به مردم..... و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت و حرمت اشخاص... کنم.» و همچنین به مذاکرات خبرگان قانون اساسی و بحث و گفتگوی آیت اله بهشتی و منتظری از یک سو و آیت اله مشکینی از سوی دیگر در مورد شکنجه، جلب می کنیم.

آقای روحانی، شاید کارگرانی که ما از آنان یاد کردیم، به دلیل فشار روحی و جسمی وارد آمده به آنها که کمتر از ۲۵ سال سن دارند، دیگر هرگز به فعالیت های سندیکایی برنگردند و حتی موضوعات گفته شده را هم تکذیب کنند، اما برای اثبات حرف هایمان از شما می خواهیم که به دیدارعلی نجاتی رفته و وضعیت ایشان را ببینید. همچنین به کارگران دربند فولاد اهواز در زندان سر زده و از نزدیک ببینید بر آنان چه می گذرد و به مردم گزارش دهید تا معیاری باشد برای گفته های ما و خاتم سپیده قلیان و اسماعیل بخشی. بی تردید آنچه وظیفه شماست، در قانون اساسی آمده، و شما موظف به انجام آن هستید؛ از جمله پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی و انسانی همه ی آحاد مردم این کشور.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۲ دیماه ۱۳۹۷

ما نگران جان کارگران هستیم!

مدت هاست شاهد برخورد پلیسی دولت اقتدارگرا علیه مطالبات عمده و برحق زحمتکشان این سرزمین هستیم. آن چه این روزها به وضوح در برخورد سلبی با کارگران نیشکر هفته تپه و فولاد اهواز اتفاق افتاد ثمره ی سیاست های ناکارآمد دولت در نداشتن استراتژی مناسب در اقتصاد و فرهنگ است. ایجاد موسسات میلیتاریستی و شکل گیری کانون های قدرت اقتصادی توسط خصولتی ها از یک طرف و کارکرد بلند گوهای تبلیغاتی دولت در حمایت از سازوکار نئولیبرال های منحط وطنی موجب شده است که سفره ی کارگران روز به روز کوچک ترشود. از طرفی با به وجود آمدن شرایط ارزی در ماه های آغازین امسال و بالا رفتن تورم بی سابقه در کشور، تولید کنندگان و سوداگران به روز قیمت کالا و خدمات را بالا بردند ولیکن کیست که توجه کند آیا مزدبگیران افزایش حقوق داشته اند؟

فجیع تر این که ما کارگران قسطی کار نمی کنیم ولی به صورت قسطی و با ماه ها تاخیر، اندک دستمزدمان را پرداخت می کنند. از سوی دیگر بگیر و ببند های پیش آمده در احضار، بازداشت و شکنجه ی کارگران هفت تپه و فولاد خوزستان بر هیچ کس پوشیده نیست و خوب تر می دانیم که چگونه نیروهای امنیتی که می بایست حافظ منافع اقتدار جامعه باشند با تند روی ها و کج مداری، اتفاقا اعتماد عمومی را سلب نموده اند. نمونه بارز آن نحوه دستگیری علی نجاتی و همراهان در هشتم آذرماه در اندیمشک بود که بدون ارائه حکم و با شدیدترین برخورد نظامی آن ها را دستگیر و با خود بردند. علی نجاتی را با داشتن ناراحتی قلبی و کلیوی حاد در بندی نامناسب نگهداری می کنند و بدتر چون جنایتکاری جنگی وی را با دستبند و پابند به پزشکی قانونی رهسپار می کنند تا برای بار چندم برایشان مسجل شود که نجاتی بیمار است. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان که به گفته ی خودشان و دیگر قرائن موجود چنان زیر ضرب و زور قرار می گیرند که بعد از نزدیک یک ماه آزادی هنوز نای حرف زدن ندارند. در فولاد اهواز، شبانه به خانه های کارگران یورش می برند و آن ها که فقط حق خود را مطالبه کرده اند به شدید ترین حالت ممکن به بازداشتگاه های امنیتی و زندان هدایت می شوند و پس از

آن با انواع تهدید و ارعاب کارخانه را تسخیر کرده و برای قدرت نمایی حتا از درون محل کار نعمت زاده را با خود می برند . آیا وجدان عمومی در این سرزمین به خواب رفته است ؟ آیا ما کارگران باید تاوان بی منطقی در رفتار پر از تضاد دولت ها را پرداخت کنیم ؟ محافل زمامدار سرمایه ، برای رفع موانع خود در سوداندوزی بی حد و حساب و ادامه سیطره خویش بر بنگاه های اقتصادی کشور مدت هاست با حمایت نهاد اقتدار به پلیس سیاسی متوسل شده اند . واگذاری کارخانه ها به آدم هایی که اهلیت (به قول خودشان) دارند این بود ؟؟ رشد اقتصاد ملی از طریق شماری رانت بگیر معلوم الحال شکل نخواهد گرفت و روز به روز به وخامت اوضاع و چپاول سرمایه ملی اضافه خواهد شد . کارگران این موطن ، شریف ترین و بی تریبون ترن آحاد جامعه هستند . هیچ دولتی از ابتدای انقلاب تا کنون به فکر معیشت آن ها نبوده و بهره کشی از کارگران در ذات نهاد اقتدار اقتصادی بوده است .

ما به تنگ آمده ایم، موضوع همین است . سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران _ چون پیش تر _ اعلام می دارد که با برخورد امنیتی با کارگران به شدت مخالف بوده و نگران جان انسان هایی است که بی جهت اکنون در زندان ها به سر می برند و خواستار آزادی بی قید و شرط آن هاست . تزریق ایدئولوژی ترس و اختناق در این سرزمین نه تنها کمکی به حل مشکل معیشت و اقتصاد نخواهد کرد بلکه شکاف بین طبقات مزد بگیر را با نهاد دولت بیش از پیش، بیشتر خواهد کرد .

سندیکا کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۷ دی ماه ۱۳۹۷

به رسمیت شناخته شدن تجمع‌های صنفی مسالمت‌آمیز کارگران

به نقل از فرزانه زیلابی وکیل کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در رابطه با قرار منع تعقیب ۱۵ کارگر بازداشتی اعتصاب‌ها و تجمع‌های اخیر کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه:

✓ نکته جالب توجه و قابل تحسین آن است که در قرار صادره به صراحت تجمع‌های صنفی مسالمت‌آمیز کارگران به رسمیت شناخته شده است و در تمام پرونده‌های متعدد مطرح شده علیه موکلینم، با اتهام مشابه در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش برای نخستین بار است که دادنامه‌ای به این شیوه و صراحت صادر می‌شود. چنین دادیاران آگاه و با شهامت افزون باد.

✓ بی شک این دستاورد، حاصل شعور اجتماعی و سیاسی کارگران در برگزاری تجمع‌های مسالمت‌آمیز برای مطالبه‌گری بوده که در نهایت همه باید به آن احترام بگذارند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۴ دیماه ۹۷

اصل بیست و هفتم (۲۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- محوطه مخازن کارگاههای اکسیژن با توجه به نزدیکی به کارگاههای تعمیراتی به هیچوجه ایمن نیست و احتمال حادثه می رود و بخش ایمنی هم توجهی نمی کند

۲- ذخیره آب آشامیدنی جهت حفظ و نگهداری در شرکت بسیار ناموفق بوده است

۳- حق مدرک کارکنانی که مدرک کارشناسی ارشد دارند ولی هنوز پذیرش نشده اند اقدام شود و مبلغش هم در دریافتی ها منظور گردد.

۴- متاسفانه با آنکه در سطح کشور شغل آتش نشانی جزو مشاغل سخت و زیان آور است اما در ذوب آهن اجرا نمی شود.

۵- سرویس بهداشتی ترمینال آزادگان مدتهاست خراب است و رسیدگی نمی شود کارگران چه باید بکنند؟

۶- آیا برای ذوب آهن عیب نیست که دکتر معتمدی برای تایید نسخه های داندان پزشکی در زرین شهر ندارد؟

۷- با تولید ۸۹۶۵ تن چدن، رکورد تولید روزانه این محصول با همت کارگران شکست اما هنوز قفل پاداش به کارگران شکسته نشده است چرا؟؟؟ مدیریت برای تلاش کارگران آیا ارزش قایل نیست؟

۸- میز و صندلی کافی در اتاق فرمان نیروگاه حرارتی مدیریت تولید و توزیع برق وجود ندارد و این باعث خستگی مضاعف و بیماری واریس در کارکنان خواهد شد. مدیریت چرا رسیدگی نمی کند؟

۹- شغل کارگران انبار محصولات سخت و زیان آور است اما مشکل شغلی آنان هنوز رفع نگردیده و در میان شغل های زیان آور لحاظ نگردیده است و این اجحاف را کارگران تحمل نخواهند کرد و باید هرچه زودتر رسیدگی شود.

۱۰- بسیاری از کارگران و کارکنانی که از سال ۱۳۹۰ به بعد استخدام شده اند هنوز تبدیل وضعیت نشده و حقوقشان هم تغییر نیافته است. مدیریت چرا تعلل می کند؟

۱۱- دستگاههای کیوسک مدیریت کوره بلند خراب بوده و متاسفانه جهت تعمیر آن هنوز اقدام نگردیده است. حتمن کار باید به تحسن و اعتصاب بکشد تا مدیریت به خود بیاید ؟

۱۲- بیماری‌های شایع در ذوب آهن عبارتند از درد در ناحیه کمر، مچ پا، زانو، بوده و اکثر کارگران به دلیل سرپا ایستادن مشکلات سیاتیکی نیز دارند. چرا طب کار برای این موضوع یک کار تحقیقاتی انجام نمی‌دهد تا درد و رنج کارگران کمتر شود

۱۳- بارها در نشریه پیام سندیکا از بی کیفیت بودن غذا در شیفت‌های کاری خبر داده شده است از جمله در قسمت مدیریت نورد که متاسفانه هنوز اقدامی نشده است.

۱۴- تحویل لباس به متصدی شستشوی لباس کار در قسمت‌ها متاسفانه برنامه ریزی درستی ندارد و باید مدیریت ورود کند

۱۵- برنامه ریزی جهت رفع مشکل تردد خودرو شیفت ب ۸ فولاد شهر به داخل محله کی انجام خواهد شد

۱۶- با توجه به عبور تریلی‌ها از خیابان روبروی ساختمان نورد و ایجاد گرد و خاک که به داخل سالن غذاخوری وارد می‌شود نمی‌دانیم چه زمانی مسئولین این موضوع را مدیریت خواهند کرد تا غذا با خاک نخوریم.

۱۷- با اینکه بارها در مورد لحاظ شدن تجربه و سابقه کار به جای مدرک تحصیلی جهت ارتقا سمت کارگران و کارکنان قرارداد موقت و دائم به مدیریت گفته ایم تا حقوق‌ها کمی افزایش پیدا کند متاسفانه مدیرعامل گوش شنوایی برای این موضوع ندارد. آقای مدیرعامل با این کار سخت این حقوق کفاف زندگیمان را نمی‌دهد.

۱۸- آب گرم طبقه دوم رختکن کوره بلند قطع است که مدیریت می‌توانست با نصب پمپ قوی تری این موضوع را حل کند تا در این سرمای زمستان کارگران برای حمام کردن به طبقه اول نروند.

چرا دستمزد کارگران ذوب آهن افزایش نمی یابد؟

فقط طی ماه گذشته خدمات کارگران با ابتکار ذوب آهنی چنین بوده است:

۱- اجرای با موفقیت کنترل PLC در انبار مواد خام بخش الگومراسیون

۲- ساخت بونکرهای پروژه PLC توسط کارگران کارگاه ۴۷

۳- طراحی و ساخت دستگاه تست پمپ انژکتور موتورهای TGM^۶ توسط مدیریت راه آهن و ترابری

این ها بخش کوچکی از کوشش کارگران برای سودآوری کارخانه است. اما مدیریت اصلن به فکر افزایش دستمزدها و یا پاداش متناسب اینگونه کارهای ابتکاری و سخت نیست. با وجودی که گرانی کارگران را در فشار قرار داده است آیا حق کارگران دستمزدی متناسب با کارانجام شده نیست؟ اینگونه کارها که باید با سرعت و در زمانبندی کم صورت بگیرد موجب فرسودگی جسم کارگران و بیماری هایی که از عمرشان خواهد کاست، می شود. ما از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک که مدافع ماست می خواهیم که برای این موضوع به ما راهکار بدهد.

عباسعلی نوروزی کارگر ذوب آهن

تحریریه پیام سندیکا:

عباس جان، تنها با ایجاد سندیکای کارگری و اتحاد کارگری می توان این مشکلات را حل نمود

تخلفات در پالایشگاه نفت ستاره خلیج

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا تخلفات شرکت های زیر مجموعه پالایشگاه نفت ستاره خلیج هر روز رنگی دیگر می گیرد. شرکت پارسین سازه یکی از این شرکت هاست. استخدام کارگر در این شرکت با هر حقوقی در آخر کار به این صورت خواهد بود که ۳۰ درصد کمتر به کارگر پرداخت خواهد شد. و از این به بعد روند سرگردان کردن کارگران با توجیه اینکه یک روز مدیر مالی نیست یک روز سرپرست نیست و یک روز هم بالاخره یکی دیگر نیست جان کارگر را به لبش رسانده و از دادن حقوقش طرفه می روند تا او نیز خسته شده و از خیر حقوقش بگذرد.

شرکت های بد حساب را معرفی کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا و به نقل از یکی از کارگرانی که در نفت ستاره خلیج شاغل بوده است وضعیت در این پالایشگاه چنین است:

سلام به همه ی دوستان و همکاران عزیز بنده سال ۹۵ واسه شرکتی بنام پارسین سازه زیر مجموعه فلات پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس کار کردم و خدا شاهده از سال ۹۵ تا الان حقوقی که طلب داشتم خورده خورده بهم پرداخت کردن و حدود ۳ میلیون تومان از پولم را هم کشیده بالا. هر چی میزنم اهمیت نمیدن.

از همه دوستان و همکاران خواهشمندم حتی اگر مجبور بودید هم واسه چنین شرکت‌هایی کار نکنید چون همین بلایی که به سر خودم اومد صدرد به سر شماها هم میاد.

رحمان عزیزی کارگر پروژه ای

گزارش پیام سندیکا از پالایشگاه نفت ستاره

این پالایشگاه به دلیل عقب انداختن حقوق کارگران بیش از ۶ ماه و نداشتن رستوران و غذا و مسایل رفاهی مناسب حال کارگران سال گذشته از سوی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکپ پروژه ای ها تحریم کارگری شد و پیمانکاران و شرکت های بدحساب را افشا کردیم.

اما باز هم خبر می رسد که در پالایشگاه نفت ستاره بندر عباس هنوز هم شرکت ها و پیمانکاران به روال قبلی از دادن حقوق کارگران طفره رفته و کارگران را سرگردان می کنند. به عنوان نمونه باز هم به کارگران توصیه می کنیم که به هیچ عنوان با شرکت رفرانس پیمانکاری برادران طاهری کار نکنند. اینها کلاهبردار هستند و اصلا پول کارگر برایشان مهم نیست

گزارشی از کارخانه سیمان کارون

کارخانه سیمان کارون واقع در ۴۲ کیلومتری مسجدهسلیمان (شهرستان گلگیر) قرار دارد و ظرفیت تولید کارخانه سیمان کارون بیش از ۲ هزار تن است. اما فعالیتش به دلیل آنچه از سوی کارفرما بحران در منابع مالی عنوان می شود، از اول شهریور ماه موقتاً تعطیل اعلام شده است و در نتیجه تمامی ۴۵۰ کارگر شاغل در این واحد تولیدی سرگردان هستند.

گفته می شود: به دلیل کاهش تقاضا در بازار مصرف، از ابتدای اردیبهشت ماه سال جاری این واحد تولیدی با مشکل انباشت بی سابقه کلینکر (یکی از مواد اولیه ساخت سیمان) مواجه می شوند به طوری که کارگران به امور دیگری همچون بازسازی و تعمیرات مشغول شدند اما استمرار این وضعیت به مرور باعث شد تا از ابتدای شهریور ماه فعالیت کارخانه متوقف شود.

کارگران برای پی گیری مشکلات بوجود آمده بارها به نهاد های دولتی مستقر در شهرستان مسجد سلیمان مراجعه کرده اند و انتظار دارند باتوجه به وضعیت نامناسب معیشتی و شرایط دشوار اقتصادی ، کارفرما با بازگشایی کارخانه امکان اشتغال دوباره را برای کارگران فراهم کند.

گزارش خبرنگار پیام سنیکا از احیا استیل بافت، کرمان



کارگران احیا استیل بافت، کرمان از شهریور ماه تاکنون حقوقی نگرفته اند و معلوم نیست که چه زمانی پرداخت خواهد شد. کارگران هم در اعتراض به این موضوع از روز ۱۰ دیماه می خواهند محل کار خود را ترک کنند که با ممانعت نگهبانان روبرو شده اند. نگهبان می گوید کارفرما دستور داده است که کارگران باید تا ساعت ۷ شب هم اضافه کار بمانند.

شرکت کارگران بازنشسته فلزکارمکانیک در تجمع روبروی مجلس



امروز ۱۲ دیماه کارگران بازنشسته فلزکارمکانیک در اعتراض به خصوصی سازی و تحقق موارد زیر در تجمع روبروی مجلس شرکت کردند. خواسته ها به شرح زیر می باشد:

۱ - ارتقاء سطح دریافتی حقوق بگیران و مستمری بگیران به میزان بالاتر از خط فقر کارشناسی شده متناسب با هزینه زندگی استاندارد امروزی.

۲ - تهیه و تدوین بودجه سالیانه بر مبنای حمایت از منافع مزدبگیران و تامین منابع مالی لازم برای تضمین یک زندگی مناسب بازنشستگان. همترازی حقوق بازنشستگان با شاغلین با اجرای کامل ماده ۶۴ و ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۸۶

۳ - توقف تعرض به منابع و امکانات صندوق ها. اعاده منابع صندوقهای بازنشستگی و جبران خسارت و استرداد بدهی های دولت به صندوق ها و ایجاد

سازوکار مناسب به منظور کنترل و نظارت بر آنها توسط منتخبین واقعی بازنشستگان

۴- لغو بیمه های تکمیلی و برقراری بیمه کارآمد و رایگان

۵- توقف سیاست و برنامه های خصوصی سازی در عرصه های تولید ، آموزش ، بهداشت و درمان و خدمات عمومی

۶- توقف روند پرونده سازی و پیگردهای قضایی و امنیتی برای فعالین صنفی و اجتماعی و آزادی فوری وی قید و شرط کلیه فعالین صنفی و اجتماعی.

۷- برسمیت شناختن حق ایجاد تشکل های مستقل بازنشستگان



اعتصاب متقاضیان کار در مجتمع مس سرچشمه



بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، ساکنین متقاضی کار در شهرستان رفسنجان - واقع در چند کیلومتری مجتمع مس سرچشمه- در تاریخ ۹۷/۹/۲۴ به تعداد تقریبی ۶۰ نفر در درب ورودی اصلی مجتمع، دست به اعتصاب و مطالبه ی کار زدند؛ به مدت چند ساعت، تردد در این مجتمع متوقف گردید و با مواجهه ی نیروهای انتظامات با تجمع کنندگان، ایشان بدون نتیجه متفرق گردیدند.

در طی روزهای اولیه پس از این تجمع، جوانانِ عمدتاً تحصیل کرده و بیکار به شورای شهر رفسنجان مراجعه نمودند و از ریاستِ همین مجموعه، توصیه نامه هایی با این محتوا دریافت کردند که اشتغالِ نامبردگان در مجتمع مس سرچشمه از نظر شورای شهر رفسنجان بلامانع است. (!)

سرانجام قریب به ۵۰۰ نفر از جویندگان کار، در تاریخ ۹۷/۹/۲۴، متشکل از اقشارِ متنوع اجتماعی، مجدداً مجاور درب ورودی اصلی مجتمع مس سرچشمه حضور به هم رساندند. در این روز مداخله ی نفرات انتظامات قادر به متفرق ساختنِ جوانانِ ذی حق نشد و با مختصر برخوردی، کلیه ی جویندگانِ کار وارد فضای داخلی مجتمع مس سرچشمه گردیدند.

نظر به آن که پاسخ گویی از سوی مسئولین مربوطه صورت نگرفت، همین عده ی ۵۰۰ نفری معبر ورودی و خیابان های دو میدان اصلی مجتمع را مسدود نمودند و خواهان پاسخ گویی مسئولین به این مطالبه شدند؛ در حوالی ظهر و پس از چند ساعت، عده ای به ورودی سالن ذوب (یکی از واحدهای اصلی پروسه ی تولید) نزدیک شدند و با سر دادن شعارهایی چون: “مسول بی لیاقت نمی خوایم، نمی خوایم!”، ورودی سالن ذوب را مسدود نمودند.

این عده با بی توجهی مسئولین به درخواست شان، در سطح مجتمع پخش گردیدند و تمام معابر داخلی مجتمع مس سرچشمه را مسدود کردند و روند اعتصاب تا عصر همان روز ادامه داشت.

حضور نیروهای لباس شخصی امنیتی و نیز نیروهای انتظامی محلی در همان روز حتی در میان جمعیت، پر رنگ بود.

شب ۲۴ آذر ماه ۹۷ نیروهای ضد شورش شبانه به مجتمع مس سرچشمه منتقل گردیدند و به مدت سه روز، در مداخل ورودی مجتمع مس حضور داشتند و مطالبه گران کار در روزهای بعدی سرکوب گردیده و متشکل نشدند.

متأسفانه خبر دستگیری ۱۷ نفر از جویندگان کار، روز پس از اعتصاب، در منطقه منتشر گردید و بدون نشر اسامی شان تاکنون از آنان خبری دریافت نشده است.

در ارتباط با جذب نیروهای بومی در مجتمع مس سرچشمه، علی الخصوص در پیمانکاران این شرکت، نکته ی غیر مسولانه ای وجود دارد بدین نحو که درست برعکس سایر مناطق، پیمانکاران مجاز به استفاده از نیروهای بومی غیر متخصص و کارگری نمی باشند! و در فرآیند های سخت واحدهایی هم چون: نظارت بر پیمانکاران، منابع انسانی، انتظامات و حراست از صدور مجوز ورود برای نفرات بومی ممانعت سرسختانه به عمل می آید؛ با این دلیل واهی که نفرات بومی پس از پایان کار پیمانکاران، مدعی کار خواهند شد!

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

گزارشی کارگر کارخانه نار ایران و بازگشایی بعد از ۵ سال

شرکت نار ایران واقع در شهر صنعتی ساوه خیابان ۲۱ مجددن راه اندازی شد.

پس از تعطیلی حدودن ۵ ساله شرکت نار ایران، این شرکت با همت تعدادی از فعالان اقتصادی و کارگران زحمت کش مجددن راه اندازی شد. راه اندازی این شرکت که محصول تولیدی آن بیشتر آب میوه است می تواند پیامدهای مثبتی برای عده ای از اقشار زحمتکش جامعه داشته باشد از قبیل موارد زیر:

با راه اندازی مجدد این واحد تولیدی بصورت مستقیم عده ای کارگر و کارمند و.... مشغول به کار می شوند و سفره چندین خانواده کارگری گرم تر می شود - بسیاری از کشاورزان که اکثر تولیدات آنها به علت نبود مشتری معدوم میشد، اکنون مقصد خوبی برای محصولات خود دارند و به همین دلیل شاهد سرازیر شدن محصولات اکثر کشاورزان به این شرکت هستیم

از سویی دیگر محصولات کشاورزی شهرهای حومه و حتی استان هایی نظیر یزد، اصفهان، شیراز، ارومیه و.... به این شرکت منتقل می شود که این خود سبب رونق در وضعیت کامیون داران استانها و شهر های مختلف می شود، که از مهر ماه امسال شاهد صف بندی کامیونها جهت تخلیه بار خود هستند و تا اواخر سال جاری محصولات این شرکت روانه بازار خواهد شد.

امیدواریم که کارخانه های بیشتری راه اندازی شود تا کارگران بیکار بیشتری سرکار رفته و از دستفروشی و آواره گی نجات پیدا کنند.

رحمانی کارگر سندیکایی

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو



بعد از گرانی های اخیر و عدم تحویل قطعات توسط قطعه سازان به ایران خودرو و افزایش قیمت خودروها به میزان ۳۰ درصدی و فروش آزاد و زیر قیمت دلالتان توسط شرکت ایران خودرو شروع شده است. این وضعیت باعث افزایش تولید در قسمت های تولیدی گردید. آنچه مسلم است کارگران باید با دستمزدی که متناسب با کارشان نیست بسازند و بسوزند. در حال حاضر دریافتی کارگران ایران خودرو ۴۰ درصد کمتر از سالهای گذشته شده است.

خواسته کارگران که طبقه بندی مشاغل بوده با این رکود به فراموشی سپرده شده و کارگران بازنشسته شده جایگزینی در ایران خودرو ندارند و کارگران شاغل باید جور کارگران بازنشسته شده را بکشند.

نامه ارسالی به پیام سندیکا

این جانب علی رحیمی ریگی از توابع استان چهار محال و بختیاری، شهرستان لردگان که دارای ۱۴ سال سابقه کاری دارم چرا نتوانم در کشور ایران خرج و مخارج و نیاز روزانه زندگی را مهیا کنم؟ مطمئن هستم ۹۰ درصد کارگران پروژه ای همین مشکل را دارند. ما کارگران متخصص وقتی نتوانیم کار پیدا کنیم وای به حال کارگران جوان.

آقایان دولتی ها، شغل های کارگران پروژه ای سخت می باشد و صنعت جوشکاری خطرات زیادی دارد : وقتی وارد شغل جوشکاری شدیم آدم سالمی بودیم و هیچ بیماری نداشتیم اما امروز بعد از گذشت تنها ۱۴ سال از کارکردن در پروژه های مختلف ۱- دچار آسم و سرفه های زیاد از جوشکاری ۲- دچار آب مروارید و در نهایت در سنین پیری کوری میماند برایمان ۳- سیستم گوارشی داغون به خاطر نخوردن غذای مناسب و کار پر از استرس ۴- نوعی سیاتیک در ستون فقرات و دیسک در ناحیه کمر و لگن ۵- پیری زودرس با چروک ها صورت ۶- عقیم شدن زود هنگام که موقع عکسبرداری از جوش اتفاق می افتد

حال چرا حقوق یک جوشکار ۴ میلیون تومان باید باشد؟ و تازه کار هم پیدا نشود؟ چرا باید جوشکاران درجه یک ایرانی در عراق مانند برده ها کار کنند و پولشان هم خورده شود پس این وزارت کار و وزارت خارجه برای چه درست شده؟

آیا می دانستید حقوق جوشکاری در سطح من در امارات کمتر از ۵۰ میلیون نیست و یا در کویت؟ چرا دولت قدر کارگرانش را نمی داند؟

برای خود مان تاسف می خورم در کشور ایران که از ذخایر زیر زمینی اش در جهان مقام اول در گاز و مقام دوم در نفت را دارد و با زحمتهای متفکران و طراحان، مهندسان، کارگران فنی، کارگران ساده توانسته این ذخایر را از دل زمین بیرون آورده و بفروشد اما بیکاری و گرسنگی نصیب کارگران شود

برادران به این نتیجه رسیده ام که باید سندیکا داشته باشیم تا شرکت ها و پیمانکاران بی مروت سرمان کلاه نگذارند و حقوق و بیمه مان را بالا نکشند. سندیکا می تواند با آمدن من و تو داخل سندیکا حق و حقوقمان را محافظت کند.

زنده باد سندیکا

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



۱- بی توجهی وعدم پاسخگویی مدیرعامل شرکت واحد به پیگیری های کارگران شرکت واحد

تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در تاریخ ۱۷ دی ماه ۹۷ با شماره نامه ۳۰۱۵۳/۱۶۰ برای پیگیری مطالبات کارگران، از جمله مسکن و طرح طبقه بندی مشاغل، طی طوماری به امضای کارگران شرکت واحد و ثبت نامه ها در دبیرخانه شورای شهر و شهرداری تهران، خواستار پیگیری و رسیدگی به مشکلاتشان را کرده اند.

شورای اسلامی شهر تهران پیرو درخواست سندیکای کارگران شرکت واحد طی نامه ای در تاریخ ۳۰ دی ماه به شماره نامه ۳۱۴۸۰/۱۶۰ از مدیرعامل شرکت واحد خواستار مساعدت و اقدامات لازم و مقتضی را کرده است.

در همین راستا تعدادی از نمایندگان سندیکایی روز چهارشنبه سوم بهمن ماه جهت پیگیری نامه شورای شهر، به اداره مرکزی مراجعه و طی گفتگو با مدیریت درخواست رسیدگی به مطالبات عنوان شده توسط نمایندگان سندیکایی در شورای شهر و شهرداری تهران شده اند.

متأسفانه آقای سنندجی اعلام کردند ما بودجه نداریم که مساعدت کنیم به جای نامه خالی که مشکلی را حل نمی کند یک ردیف بودجه تخصصی می دادند تا من مشکل کارگران را حل می کردم و از طرفی این مسایل به من مربوط نمی شود به خاطر اینکه تمام امورات درون سازمانی را به معاون نان خود تفویض کرده و خودم فقط به امورات برون سازمانی رسیدگی می کنم .

حال سوال از آقای سنندجی که میگویند "ردیف بودجه در نظر بگیرند نامه خالی مشکلی را حل نمی کند" بفرمایند بودجه هایی که با پیگیری اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در مورد مسکن، ۴ درصد سخت و زیان آور، تامین شیر و کیک رانندگان، بن لوازم تحریر و غیره را در کجا هزینه کرده اید؟

آیا شرکت واحد وزارت خانه است که درگیر سفرهای استانی و نشست های هیات وزیران و غیره باشی که مجال رسیدگی به امور درون سازمانی را نداری و امورات را به معاونان خود واگذار کرده ای؟

چه چیزی مهمتر از کاپشن و لباس کار رانندگان است که در این فصل سرما از سپیده دم صبح تا پاسی از شب کارگرها باید بدون کاپشن و لباس کار رنگ و رو رفته و متفاوت برای شهروندان خدمت رسانی می کنند؟

چه چیزی مهمتر از مسکن کارگران که نزدیک به شش هزار نفر بدون مسکن هستند و پروژه سپیدار دو سه بیش از ۵ سال بلاتکلیف می باشد و پروژه های دیگر مانند سهیل و پرند و..... با مشکلات جدی روبرو هستند؟

چه چیزی مهمتر از بهبود معیشت کارگران است، آیا از تورم شدید و گرانی روزافزون که توان کارگران و رانندگان را بریده و قدرت خریدشان را به یک سوم رسانده است خبر داری؟

چه چیزی مهمتر از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که باعث افزایش حداقلی حقوق کارگران شرکت واحد می شود تا بتوانند بخشی از شهریه فرزندان را تامین بکنند؟

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن پیگیری خواسته ها و مطالبات بحق کارگران از مدیریت شرکت واحد درخواست دارد به سوالات کارگران پاسخ و به نامه ها و سفارشات مسئولین بالا دستی توجه بکند و به جای فعالیت برون سازمانی به امورات محوله خود در درون سازمانی عمل بکند در غیر اینصورت حق اعتراض و تجمع را بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی حق مسلم خود می داند.

۲- بی تدبیری مدیریت شرکت واحد در واگذاری سرویس کارکنان خود به بخش خصوصی/ سرویس رانندگان حتی فاقد کمترین ایمنی و آسایش است

با وجود اینکه شرکت واحد اتوبوسرانی خود در بخش جابجایی مسافر ارائه خدمت می کند متأسفانه مدیریت ناکارآمد به بهانه کم کردن هزینه ها، ارائه سرویس ایاب و ذهاب کارگران را به بخش خصوصی (خصوصی) واگذار کرده است. در صورتیکه قطعاً چنانچه خود شرکت واحد سرویس ایاب و ذهاب کارگران را انجام دهد قطعاً هزینه های آن کمتر خواهد بود. سرویسی که بخش خصوصی برای ایاب ذهاب کارگران تامین می کند فاقد کمترین ایمنی لازم است. همچنین کارگران در اتوبوس کمترین امکانات گرمایش در این فصل سرد سال ندارند. برای نمونه سرویس صبح کارگران سامانه یک شرکت واحد در مسیر فاز یک اندیشه در روز ۳۰ دی، فاقد بخاری و چراغ جلو و چراغ خطر عقب بود. مدیریت ناکارآمد شرکت واحد نیز با بی مسئولیتی پاسخگوی اعتراض کارگران در این زمینه نیست.

سندیکای کارگران شرکت واحد به جهت جلوگیری از هرگونه حوادث ناگوار به دلیل عدم ایمنی سرویس کارگران به مدیریت هشدار می دهد و درخواست دارد سرویس ایمنی با امکانات مناسب برای کارگران فراهم گردد.

۳- اقدام ضد کارگری حراست سامانه یک در اربع رانندگان حق طلب به دلیل شرکت در اعتراض "روشن کردن چراغ اتوبوس"

با توجه به اعتراض سراسری رانندگان در کلیه سامانه ها در روز چهارشنبه ۱۹ دی و حق خواهی شان بابت عدم اجرای مصوبه مسکن و بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل بصورت "روشن کردن چراغ اتوبوس ها"، مدیریت و حراست سامانه یک که از اعتراضات حق طلبانه کارگران وحشت و ترس دارند، با فراخواندن رانندگانی که در اعتراض "روشن کردن چراغ اتوبوس" شرکت کردند قصد دارند با ایجاد اربع از اعتراضات آینده جلوگیری کنند.

اما مدیریت و حراست باید بداند که صدای حق طلبی کارگران و رانندگان آگاه با ایجاد اربع خاموش شدنی نیست. مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی اعتراض مدنی و مسالمت آمیز نسبت به حق و حقوق جزو حقوق شهروندی همه افراد کشور از جمله کارگران می باشد و هیچ فردی را نباید به دلیل اعتراض مسالمت آمیز تحت پیگرد و آزار و اذیت قرار گیرد. اعتراض مسالمت آمیز رانندگان "روشن کردن چراغ اتوبوس" کاملاً قانونی است و مدیریت و حراست ضدکارگری شرکت واحد حق مقابله با آن را ندارد و خودشان هم می دانند که با توجه به اتحاد سراسری رانندگان تهدیدات شان پوشالی است. کارگران و رانندگان آگاهانه و با اتحاد با سندیکا همراه خواهند بود و با استفاده از روش های اعتراضی مسالمت آمیز حق خود را فریاد خواهند زد.

۴- تلاش مذبوحانه مدیریت سامانه شش شرکت واحد برای جلوگیری از اعتراضات رانندگان

مشارکت قابل توجه رانندگان سامانه شش در اعتراض "روشن کردن چراغ اتوبوس" در ۱۹ دی همچنین آگاهی رانندگان و کارگران سامانه شش در مورد حقوق قانونی شان و با توجه به اینکه در هفته های گذشته نیز در یک نوبت کارگران و رانندگان این سامانه در اعتراض به عدم پرداخت تسهیلات مسکن دسته جمعی به نشان اعتراض به قسمت اداری مراجعه کرده بودند.

موجب شده مدیر این سامانه برای جلوگیری از اعتراضات مشابه در سامانه شش تلاش هایی مذبوحانه به قصد فریب دادن و یا مرعوب کردن رانندگان انجام دهد. در روز های گذشته اسکندری مدیر این سامانه در هر نوبت با فرا خواندن پنج نفر از رانندگان به دفتر خود در محیطی کاملاً کنترل شده با دروغ پردازی علیه سندیکا، بدگویی دروغین از فعالین سندیکایی، سیاه نمایی فعالیت های سندیکایی، دروغ پردازی راجع به هزینه های سفر نمایندگان سندیکا به سازمان جهانی کار با وجود اینکه می داند این سفرها با دعوت کلکتیو سندیکاهای فرانسه و تامین هزینه های آن از جانب آنها انجام شده، تهدید، وعده و وعید و آسمان و ریسمان کردن به خیال خود می خواهد رانندگان را از پیگیری حق و حقوق خود و شرکت در اعتراضاتی که سندیکا در آینده برنامه ریزی می کند، منصرف کند.

اما رانندگان و کارگران شرکت واحد به خوبی درک کرده اند که کلیه موفقیت هایشان در رابطه با گرفتن حق و حقوق شان در گرو اتحاد و اعتراضات و اعتصابات آگاهانه شان با محوریت سندیکا بوده است و اگر سندیکا و اتحاد کارگران نبود هرگز این موفقیت ها حاصل نمی شد و دلیل اقدامات مذبوحانه اخیر مدیر هم حکایت از آگاهی وی از توان اتحاد و اعتراض کارگران دارد.



با سلام و درود، دوستان و همکاران گرامی نقاش در این وضعیت بد اقتصادی گرانی از یک طرف و بیکاری طرفی دیگر به فشار می آورد هر روز شرمنده خانواده خود هستیم بنده نیاز دونستم جهت آگاهی همکاران گرامی یکی از مشکلاتی که دولتمردان برای ما درست کرده باید آگاه بشیم از حق قانونی خودمان دفاع کنیم اجازه تعرض به حق مان را به نهادی یا شخصی ندهیم . بیمه تامین اجتماعی شروع به لگد مال کردن حق ما کارگران ساختمانی کرده بازرسی را هر سه ماه یک بار کرده یک کارگری که نمی تواند خرج خانواده را در بیاورد هر سه ماه یک بار باید ۷ روز از کار بیکار شده دنبال بیمه بود اون هم اگر کاری باشد ما باید جلوی اینکار بیمه را بگیریم دوستان با اتحاد شدنی هست فقط نیاز به اتحاد داریم که نگذاریم حق قانونی ما را از ما بگیرند. دوستان خود را در جریان بگذارید تا یک روز را تعیین کنیم و جلوی وزارت رفاه برای اعتراض هر گروهی هستید این را پخش کنید

اتحاد رمز رسیدن به حق قانونی مان هست

حسین امیدی کارگر نقاش و سندیکالیست

کارگران ذوب آهنی دستمزد مناسب را خواهنداند!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

کار سخت در ذوب آهن و تلاش کارگران برای سرپا نگه داشتن این مجموعه مادر صنعت، متأسفانه با بی مهری مدیرعامل های ذوب آهن روبرو شده است. تعمیرات اساس در آگلوماشین پس از ۶ سال با توجه به فرسودگی تجهیزات از نظر برقی و مکانیکی و تکنولوژی بسیار مبرم بود که تلاش کارگران آن را محقق کرد.

اما آنچه موجب دلسردی کارگران و مهندسین شده است عدم توجه به مشکلات مالی و معیشتی از سوی مدیرعامل می باشد. کارگران ذوب آهنی تلاش کردند یک تشکل کارگری در کنار دیگر نهادهای کارگری مانند تعاونی مصرف و مسکن و کمیته های ورزش تشکیل دهند که با بی مهری فراوان از سوی مدیران و دولت روبرو گشت. امروز مهندسین و کارگران و کارکنان به این نتیجه رسیده اند که با توجه به کاهش قدرت خرید به یک سوم به نسبت اوایل سال دیگر درنگ جایز نیست و باید تشکل کارگری را در هر گوشه ذوب آهن تدارک دید تا سفره های کارگران خالی تر از امروز نشود.

رضا محبی نیا

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا:

به بهانه بسته حمایتی می‌خواهند از افزایش مزد طفره بروند!/حق مسکن باید یک میلیون تومان باشد نه صد هزار تومان

مازیار گیلانی‌نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران در انتقاد از سیاست‌های دولت در قبال کارگران گفت: همه چیز را که کنار هم می‌گذاریم برای «معیشت‌مان» نگران می‌شویم.

مازیار گیلانی‌نژاد (کوشنده کارگری فلزکار) در گفتگو با خبرنگار ایلنا، در ارتباط با نگرانی‌های معیشتی کارگران می‌گوید: دی ماه هم به آخر رسید ولی از جلسات شورای عالی دستمزد خبری نیست؛ فقط یکی، دو جلسه آن هم برای تعیین حق مسکن برگزار کردند که نتیجه آنها به هیچ‌وجه رضایت‌بخش نیست. وی با بیان اینکه به نظر می‌رسد دولت و کارفرمایان هیچ شناختی از هزینه‌های زندگی ندارند یا به اصطلاح خود را به آن راه زده‌اند، ادامه داد: اگر قیمت اجاره بهای مسکن را نه در تهران بلکه در دورافتاده‌ترین شهرستان‌ها در نظر بگیرند، متوجه می‌شوند که حق مسکن حداقل باید یک میلیون تومان باشد نه صد هزار تومان! سوال این است که این صد هزار تومان را از کجا آورده‌اند براساس چه محاسبات و استنتاجاتی به این عدد ناچیز رسیده‌اند؛ اینها برای کارگران مشخص نیست!

امساک آقایان در تعیین عادلانه‌ی حق مسکن!

این فعال کارگری در ادامه می‌گوید: متأسفانه این روزها خبرهای خوشی برای کارگران به گوش نمی‌رسد از خیریه‌ای که به نمایندگان مجلس در مورد دستمزدهای ۱۵۰ هزار تومانی پیشنهاد می‌دهد تا قانون کار نادیده گرفته شود و حق و حقوق کارگران پایمال سودجویی عده‌ای شود و با «مزد توافقی» گرسنگی بماند برای طبقه‌ی کارگر، تا تاخیر در برگزاری جلسات مزدی و امساک آقایان در تعیین عادلانه‌ی حق مسکن!

گیلانی‌نژاد با بیان اینکه از چرخش وزارت کار به سمت راست یعنی به سمت کارفرمایان نگرانیم؛ ادامه می‌دهد: امیدواریم نخواهند در مذاکرات مزدی جانب کارفرمایان را بگیرند و کارگران را بیش از این به سمت چاه بی‌حقوقی سوق دهند. چرایی برپا نشدن جلسات شورای عالی دستمزد را باید در پارامتری به نام «میزان افزایش حداقل دستمزد» جستجو کرد؛ با تغییر نرخ ارز و گران شدن مایحتاج عمومی مانند لبنیات، گوشت، نان و پایین آمدن ۳ برابری قدرت خرید کارگران، چقدر می‌خواهند به مزد بیافزایند؟! آیا با دادن ۲۰۰ هزار تومان به بخشی از کارگران و دهک‌های پایین جامعه، دولت و کارفرمایان خود را آماده افزایشی کمتر از سال گذشته می‌کنند؟ آیا نمایندگان کارگری می‌خواهند باز هم با دولتی‌ها و کارفرمایان مماشات کنند؟!

وی وجه دیگری از مذاکرات مزدی را نشان می‌گیرد: نمایندگان کارگری چطور؛ آیا نمایندگان کارگران تمایل دارند که مزد امسال را به مبلغ سبد معیشت برسانند یا می‌خواهند با دولتی‌ها و کارفرمایان مماشات کنند و بگویند باز هم باید کوتاه آمد؟!

موضوع دیگری که این فعال صنفی به آن اشاره می‌کند، عدم پرداخت بدهی‌های دولت به تامین اجتماعی است. او این مساله را در کنار حق مسکن ناچیز و بی‌توجهی به ترمیم دستمزد قرار می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند که دولت، دولت کارفرمایی‌ست نه حامی حقوق فرودستان و کارگران! خبرهای خوبی برای کارگران در راه نیست! در بودجه تقدیمی دولت به مجلس نه تنها از پرداخت بدهی‌های ۱۸۰ هزار میلیاردی دولت به تامین اجتماعی خبری نیست بلکه قرار است باز هم کارخانه‌های ورشکسته بیشتری را به تامین اجتماعی تحمیل کنند.

وی معتقد است همه اینها را باید در یک بستر همگرا در کنار هم ارزیابی کرد؛ نمی‌شود این مسائل را از هم جدا کرد و هر یک را به صورت مجزا تحلیل کرد.

گیلانی‌نژاد در جمع‌بندی می‌گوید: براساس همین دلایل و براهین است که معتمد خبرهای خوبی برای کارگران در راه نیست.

امر اجتماعی، معنای هستی

از این معانی فلسفی که برابرنهاده ی آگاهی، دیگرآگاهی ست و این سه پایه پیش نمی رود؛ الا به اجتماع و جمعیت ... نیز می گذرم؛ پرسش، سلیس و ساده است: هر یک از ما در شبکه های اجتماعی، چه معنایی را منعکس می کنیم؟

دوستانِ ارجمند و عاشقم- که در شبکه های اجتماعی به روش های مختلف از عواطف فردی و عاشقانه تان، نظر می پراکنید-؛ عشق امر خصوصی ست و من شرقی ام؛ در نهان عشق می ورزم؛ نه برای تقلید از هم آغوشیِ عریان غربی و نه هیچ مبنای دیگری، محتوای عشقِ جنسی، برایم عمومی نیست که نیست!

به شهادتِ یک تاریخ، کشف و شهودِ عارفانه و از این دست بیهودگی ها که با ماست... ؛ ما به سنتِ شرقی، عواطف مان را در نهان بروز می دهیم!

رفقا! سلايق شخصی مان به هجو و هوا و هر چه از این دست، چیزی نیست جز امرِ خصوصی؛ فلسفی اش هم به کنار، در بهترین حالتش، این امور: توو جیبی و رختخوابی و هیچ و همان هواست... ؛ موقرش، مربوط به فردِ تنها ست.

شاید اگر روزانه شاهدِ چندین و چند فجیعه، ظلم و جور در سطح اجتماع نبودیم، می شد که فضای تغزل و عاطفه را بیشتر به هم یادآوری می نمودیم؛ اما دریغ که قدم به قدم جنایت است و بی عدالتی؛ به هر طرف که رو می کنیم، حقی پایمال شده و رفیقی در بند و خونی بی پاسخ رها شده!

عزیزان!

چرا مراجعاتِ پاپ در موسیقی، به امرِ جمعی نگاهی ندارد؟! دقیقاً چرا در این هجمه‌ی تولیداتِ فرهنگی و هنری که از سوی برگزیدگان همین حوزه‌ها تولید می‌شوند، خبری از آن چه که ما در خیابان و زندگی واقعی مان می‌بینیم نیست؟! چرا این همه چهره‌ی برگزیده‌ی هنری و ورزشی که از هر مزخرفی، دکانی می‌سازند برای دلالتِ احساس، به امر اجتماعی ملحق نمی‌شوند؟!

ما برگزیدگانِ هنری و ورزشی کاسب نمی‌خواهیم!

آگاهی جمعی و فهمِ اولویت‌های تاریخی، پاسخِ معماست... .

رفقا، شمایل نیکوتان در پرتله‌های شبکه‌های اجتماعی فقط شاید چندی یکبار به ذائقه‌ام نیکو بنشینند؛ الباقی دیگر شیفتگیِ شماست و حذفِ امورِ جمعی از سوی تان و البته بی‌توجهی تان به دشواریِ وظیفه!

فرشیده‌کی، هفت تپه، دیماه ۹۶، فولاد اهواز... و از این دست راهگشای ماست.

این فرصت را نکو داریم، بتازیم به این اجحاف و فاصله‌ی طبقاتیِ نحس و کثیف!

همه با هم می‌خروشیم پیش به سوی عدالت و آزادی،

با هر آن چه در دست داریم ...

ش.ص.زاهدی

دوستان خردمند!

ایدئولوژی‌ها اصولاً نباید نقش ابزار را بپذیرند. ادیان ابزاری و ایدئولوژی‌های ابزاری همواره بشریت را به تباهی برده‌اند!

میخ طویله‌ای که مسیح را کشت، ابزاری برای قتل عام مردمان دیگر و حذف دانشمندان در قرون وسطی گردید!

از ابزاری شدن اندیشه‌ها فاصله بگیریم.

اندیشه‌ها و ادیان می‌بایست وسیله‌ای برای ارتقا و پیشرفت باشد، اگر چنانچه ابزاری برای عقب ماندگی شد باید با نگرش مبارزه کرد.

دین ابزاری، هنر ابزاری، سیاست ابزاری، ایدئولوژی ابزاری در خدمت افراد معدودی برای منافع شخصی است،

حُسنی مبارک حاکم مصر در بیمارستانی در آلمان بستری بود. دکتر پرسید این کیست؟

پرستار گفت این سی سال حاکم مصر بوده!

دکتر گفت: حتما زمامدار بی‌لیاقتی بوده!

پرستار گفت: مگر شما ایشان را می‌شناسی!

دکتر گفت: نه! ولی کسی که در سی سال نتوانسته در کشورش بیمارستانی بسازد که خودش رو معالجه کند، حتما زمامدار بی‌لیاقتی هست!

آرین سندیکالیست

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

یکی تعریف می‌کرد: وقتی از نماز جماعت صبح بر می‌گشتم جماعتی را دیدم که بزور قصد سوار کردن گاو نری را در ماشین داشتند.

گاو مقاومت می‌کرد و حاضر نبود سوار ماشین بشود، من رفتم دستی به پیشانی گاو کشیدم؛

گاو مطیع شد و سوار شد. من مغرور شدم و پیش خودم گفتم: « این از برکت نماز صبح است.»

وقتی رسیدم خانه، دیدم مادرم گریه و زاری می‌کند، علت را که جویا شدم گفتم: «گاو مان را دزدیده اند!»

گاو مرا شناخته بود ... ، ولی من او را نشناختم!

موضوع انشاء: یلدا ی خود را چگونه گذرانید؟

با سلام خدمت آموزگار خوب و دوستان عزیزم . دیشب یلدا به ما خیلی خوش گذشت . دور هم بودیم و تا تونستیم خوردیم و خندیدیم ، فال هم گرفتیم . البته پدرم میگفت شایعه شده که هندوانه ها را یه کسایی ارزون خریدن و انبار کردن که گرون بفروشن ، به همین دلیل من نخردم تا با مفاسد اقتصادی مبارزه کنم .

مادرم هم گفت: خوب کاری کردی و به من گفت عکس يك هندوانه بکش بگذاریم تو سفره یلدا ، منم کشیدم خوشگل شد . مامان گفت: تو روزنامه خوندم که دونه های انار دل درد میاره ، برای همین نخردیم .

مادر من خیلی به سلامتی خانواده اهمیت میدهد. خواهرم عکس یه انار رو از تو روزنامه کند گذاشت تو سفره، یه انار بزرگ که دونه هاش سیاه بود.

مامان گفت: شب نمیشه آجیل خورد سر دلتون سنگین میشه و خوابهای بد می بینید برای همین فقط نخودچی و کشمش خریدم که خیلی هم خاصیت دارد. مادرم خیلی مهربان است.

مادرم گفت: رفتم میوه فروشی که میوه بخرم خیلی شلوغ بود منصرف شدم. مامان پرتقال و سیبی رو که داشتیم مثل گل درست کرده بود و توی بشقاب چیده بود خیلی قشنگ شده بود دلمون نمیاد بخوریم ولی مامان گفت: بخورین که نمونه میکروب میگیره، مامانم خیلی با سلیقه هست.

بابا آخر شب فال حافظ گرفت،

همش یادم نیست ولی اولش میگفت:

مژده ای دل که مسیحا نفسی میاید.

خلاصه یلدای خوبی بود، چون ما دل درد نگرفتیم، خوابهای بد هم ندیدیم، تازه با مفاسد اقتصادی هم مبارزه کردیم.

این بود انشای من امیدوارم خوشتان آمده باشد.

معلم گفت: آفرین پسرم خوب بود اینم یه نمره ۲۰

دانش آموزی از ته کلاس گفت: آقا اجازه سرما خوردین؟ معلم گفت:

چطور؟ شاگرد گفت آخه آقا اجازه... از چشمتون داره اشك میاد.

معلم گفت: آره یادم نبود که سرما خوردم...

سروده های حسین امیدی (ارومان)

کارگر سندیکالیست

اوره بییمی بوز بالتاسی تالادی

هجران اوجاغینا قالاندی یئنہ

عشقینله اوزومه قوردوقوم یووا

آیریلیق الیله تالاندی یئنہ

سنلی اورییمده قورموشدوم قالا

داغیلدی تالاندی او تالا، تالا

حیاتییمی مندن آز قالیب آلا

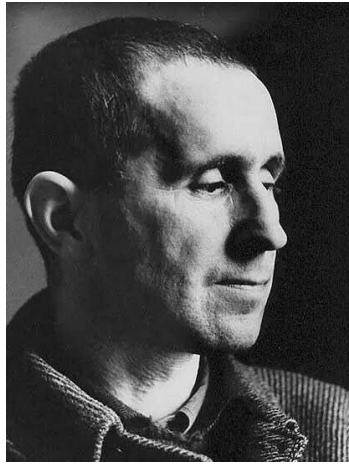
کونلومده اودلارا جالاندی یئنہ

بوسئوگیده واردی بیر سیرری درین

نورودو قارائلیق او اوره کلرین

بو یازیق (اورمانان) دولانما سرین

دلی عشقیم سنه یالاندی؟ یئنہ



شهروندان «نادان» توجه ندارند که فحشا، اعتیاد، کودکان خیابانی، فساد و سایر بدبختی‌های اجتماعی نتیجه مستقیم بی‌توجهی به «سیاست» است

👤 برتولت برشت

«قسمتی از کتاب صد ساعت گفتگو با فیدل کاسترو»

اجازه ندادم هیچ خیابان، میدان، مدرسه، بیمارستان و... به اسم من نامگذاری گردد. هیچ کتاب آموزشی حق ندارد از من بنویسد و یا تصویری از من چاپ کند. درآمد سالیانه و اموال هر ساله به صورت رسمی اعلام میشود. قسمتی از حقوقم را به دولت و مراکز خیریه می بخشم.

بهترین رفیق دوران مبارزه را که وزیر هم بود به علت فساد مالی و ثابت شدن آن در دادگاه حکم اعدامش را تأیید، اما برایش گریه کردم.

مبارز و انقلابی که فساد کند، باید فاتحه کشور را خواند.

بیانیه انجمن یاری کودکان در معرض خطر پیرامون تأثیرات نامطلوب خصوصی سازی بر زندگی کودکان

سال‌ها است که فعالان حوزه کودکان صدای وجدان جامعه بوده و دلسوزانه تلاش کرده‌اند تا ستم‌هایی را که علیه کودکان اعمال می‌شود ببینند و نشان دهند. فعالان راستین با وجود فشارها و موانع بی‌شمار و روزافزون این راه را ادامه داده و هر کجا که توانسته به میدان رفته و از کودکان جامعه حمایت نموده‌اند.

اما در تمام این سال‌ها نظاره‌گر شمار فزاینده کودکانی بوده‌ایم که پیوسته از حقوق اولیه‌شان محروم می‌شوند. گویی در این دور باطل، علی‌رغم تلاش‌ها، باز هم روند این محرومیت‌ها روز به روز تشدید می‌شود.

ما معتقدیم سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان حوزه کودک در کنار ضرورت روزمره‌ی کمک‌رسانی به کودکان در معرض آسیب، باید برای خروج از این دور باطل به ریشه‌های این محرومیت بپردازند و منشأ ایجاد این نابسامانی را خطاب قرار داده با مطالبه‌گری از حقوق کودکان دفاع نمایند. نباید اجازه دهیم کودکان قربانی اولویت‌ها و منافع جناح‌های سیاسی شوند.

آنچه امروز به عنوان خصوصی‌سازی در رسانه‌ها مطرح می‌شود، فارغ از بحث‌های حاشیه‌ای درباره‌ی چگونگی انجام آن، همواره با پولی‌سازی خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت همراه بوده است. این روند با دو چندان کردن فشار بر زنانی همراه شده که غالباً کارهای مراقبتی و بازتولیدی را به صورت رایگان انجام می‌دهند، در حالی که نوک پیکان این آسیب، کودکان جامعه را هدف قرار داده و فقر مضاعف را به آنان تحمیل کرده است. در شرایطی که دست نیرومند خصوصی‌ساز بر جامعه‌چنگ انداخته، کارخانه و بیمارستان و مدرسه و هر آنچه زندگی مردمان به آن وابسته است را طلب

می‌کند، چند ماه حقوق نگرفتن فقط یک تاخیر ساده در پرداخت نیست، بلکه قتل عام خانواده و اجتماع است. با اتکا به تجربه‌ی خودمان و همچنین با نگاهی به سایر نقاط دنیا، پر واضح است که خصوصی‌سازی نیازهای مردم را برآورده نمی‌کند و هرگز در راستای حاکمیت شفاف و صادقانه نبوده است. بلکه به انحصاری ساختن قدرت و ثروت و انتقال خدمات عمومی به دست کارفرماهای خصوصی منجر می‌شود.

به نظر می‌رسد که دولت هم در مورد کودکان محروم تمایل دارد سمن‌ها مرهمی موضعی باشند بر زخم های عمیق اجتماعی که نتیجه ی سیاست گذاری‌های مشابه در دولت‌های متوالی است.

سالها است نیرو و صدایمان را جمع کرده‌ایم و خواسته‌ایم که همه کودکان از آموزش رایگان، کیفی و عادلانه برخوردار شوند و باور داریم بدون برنامه همه جانبه در حمایت از همه کودکان، همچنان آموزش و پرورش دور باطل را طی خواهد نمود. خطراتی که امروز دامن کودکان‌مان را گرفته است فقط با سازوکار و برنامه دولت مدافع حقوق کودکان قابل جبران است در غیر این صورت هر روز بر فقر و بی پناهی کودکان افزوده خواهد شد .

یکی از اصول اساسی پیمان نامه حقوق کودکان که جمهوری اسلامی متعهد به اجرای آن است حفظ و حمایت از حریم خانواده برای رشد و بالندگی کودکان است تا از آسیبها در امان باشند. عدم حمایت از خانواده‌های کارگران که در شرایط سخت و در معرض بیکاری و یا دستمزد پایین قرار دارند، کودکان را در معرض انواع آسیب‌ها مانند محرومیت، فقر، اعتیاد، بیماری، سوءتغذیه، فحشا، بزه کاری، کار اجباری، کار در خیابان‌ها و مکان‌های پرخطر، تن فروشی و ازدواج زود هنگام دختران قرار داده است.

برعهده دولت، مسئولین و متولیان امور است که هرچه زودتر این قائله بی تدبیری خصوصی سازی سرمایه های عمومی و ملی را فیصله دهند تا بیش از این کودکانی که در ایران زندگی می کنند از حقوق شان محروم نشوند.



طبق قانون دختران و پسران ایرانی تا ۱۸ ساله نشوند نمی توانند نماینده شهرشان را انتخاب کنند، اما برای انتخاب شریک زندگیشان تا پایان عمر بر سر آنکه نباید کمتر از ۱۳ سال سن داشته باشند، به توطئه دشمن ارتباط پیدا می کند.

آقایان جواب بدهند، انتخاب کدامیک مهمتر است؟ شریک زندگی یا نماینده شهر؟!؟

زنان؛ کشته ی کار مضاعف!

خبر واژگون شدن مینی بوس حامل کارگران زن در مازندران در میان خبرهای مربوط به اتوبوس مرگ دانشگاه و خبرهای دیگر گم شده بود.

چهارشنبه ۵ دی ۱۳۹۷ مینی بوس با ۱۸ سرنشین زن در شرق مازندران واژگون شد و همه ی سرنشینانش زخمی و به بیمارستان منتقل شدند که برابر گزارش ها، تا کنون دو نفر از آن ها جان باختند.

اینکه علت یا علت های این سانحه چه بوده، موضوع این نوشته نیست، چرا که تاکنون صدها بلکه هزاران واژگونی و سانحه ی منجر به مرگ جمعی در جاده ها اتفاق افتاده است بدون آنکه علت ها ریشه یابی و از تکرار آن ها جلوگیری شود. مسوولان و مقصران اصلی این حوادث که بسیاری از آن ها به جنایت شبیه اند، موضوع را فرافکنی می کنند و به گردن عوامل طبیعی و یا عوامل ناروشن و غیرقابل پیگیری مانند سگته کردن راننده و . . . می اندازند. و هر روز هیولای مرگ در جاده ها جولان می دهد و قربانی می گیرد. اما آنچه در این نوشتار اهمیت دارد، چند موضوع است:

- ۱- زنانی که مجبورند برای تامین معاش خانواده ی خود، کار کنند.
- ۲- این زنان، کارگران فصلی هستند که عمدتاً در باغ ها و جالیزها کار می کنند. زنان سبزیکار، شالیکار، میوه چین، پنبه چین و . . .
- ۳- زنان کارگر در بخش کشاورزی، یک سوم مردان مزد می گیرند و همین ارزان بودن قیمت نیروی کارشان سبب شده است که عده ای به عنوان کارچاق کن و کنتراتی، زنان را از شهرها و روستاهای همجوار سازماندهی می کنند و با مینی بوس به مزارع و باغ ها می برند و برمی گردانند. بدیهی است که بخشی از مزد زنان را به عنوان کاریابی برای خود بر می دارند.

۴- از آنجا که گاهی صبحانه و ناهار کارگران زن، به عهده ی خود کارگران است و تازه کرایه ی رفت و برگشت را هم باید بپردازند، نیمی از مزد روزانه شان هم به این طریق از کف شان می پرد.

۵- میوه چینی و سبزی کاری از کارهای موقتی است بنابراین مشمول بیمه ی درمانی و بازنشستگی نمی شود .

۶- این کارگران زن هنگامی که شب به خانه بر می گردند باید به وظایف!! سنتی خود نظیر پخت و پز و شستشو و مواظبت از کودکان و همسر عمل نمایند.

۷- کار کارگران زن میوه چین و سبزی کار، چیزی از بردگی کم ندارد. این کارگران زن، کشته ی کار مضاعف اند.

چرا دانمارک شادترین کشور جهان است؟

◆ حداقل حقوق کار: ساعتی معادل ۲۰ دلار

◆ فقط ۳۳ ساعت کار در هفته ◆ تحصیل دانشگاه: رایگان

◆ نگهداری کودکان: رایگان ◆ بیمه کامل شهروندان: رایگان

مشکلات زنان قالیباف

زنان کارگر قالیباف و مشکلات بیمه - ۱۵۰ هزار قالیباف که از سال ۱۳۸۸ حق بیمه سازمان تامین اجتماعی را پرداخت کرده بودند، از بیمه اخراج شدند.

بافت فرش دستباف به طور عمده در ایران به عهده زنان کارگر است. بنا به آمار سازمان تامین اجتماعی، از ۴۰۰ هزار کارگر قالیباف که تا سال ۱۳۹۴ تحت پوشش بیمه این سازمان بودند، ۷۰ درصد زن بودند. به منظور حمایت از قالیبافان در برابر حوادث ناشی از کار، از کار افتادگی و بازنشستگی، دولت ایران از سال ۱۳۸۸ گزینه بیمه قالیبافان را معرفی کرد. بنا به آن قالیبافان می‌توانستند با پرداخت نزدیک به ۷۰ هزار تومان در ماه به سازمان تامین اجتماعی، خود را بیمه کنند. اما بخش قابل توجهی از بافندگان تحت پوشش بیمه قرار نگرفتند (بیش از یک میلیون نفر) و عهده‌ای هم از پوشش بیمه با این بهانه که بافنده واقعی نیستند، حذف شدند.

این کارگران برای هشت ساعت بافت مستمر روزانه، در ماه بین ۵۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند. آنها دچار انواع بیماری‌ها از قبیل کمر درد، مشکلات تنفسی و بینایی می‌شوند. اما اکنون بیمه قالیبافان هم برای آنها در دسترس شده است. از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، ۱۵۰ هزار قالیباف که از سال ۱۳۸۸ حق بیمه را پرداخت کرده بودند، از بیمه اخراج شدند. سازمان تامین اجتماعی مدعی شده که برخی از افرادی که بیمه بافندگی شده‌اند، قالیباف نبوده‌اند و از این بیمه استفاده کرده‌اند. اما دولت بودجه لازم برای پوشش کارگران قالیباف را از سال ۱۳۹۴ کم کرده و با توجه به کم بودن بودجه، سازمان تامین اجتماعی شروع به حذف پوشش کارگران کرده است.

تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران از آغاز تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۳)

در سال ۱۲۹۹، پانزده اتحادیه کارگری در ایران وجود داشت. در همان سال «شورای اتحادیه های تهران» تشکیل شد. پس از یک سال، در آبان سال ۱۳۰۰، «اتحادیه مرکزی کارگران ایران به رهبری محمددهگان» کارگران ایجاد شد که هدف آن رهبری جنبش سندیکایی و اتحادیه ای در سطح کشور بود. در طی ۴ سال، بیش از سی هزار نفر از کارگران و کارمندان در سندیکاها و اتحادیه های کارگری، زیر پرچم اتحادیه مرکزی کارگران ایران به رهبری محمددهگان گرد آمدند و متشکل ترین قدرت صنفی کارگران ایران را وثیقه دفاع از حقوق خود و شرکت فعال در حیات سیاسی کشور قرار دادند.

تحت تاثیر اتحادیه مرکزی کارگران ایران به رهبری محمددهگان جنبش وارد مرحله جدیدتری شد و در فاصله سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ متجاوز از چندین اعتصاب بزرگ، از جمله اعتصاب ۱۴ روزه کارگران چاپخانه ها و اولین اعتصاب کارگران نفت در آبادان انجام گرفت. دولت وثوق الدوله مجبور شد تا خواست کارگران مبنی بر روز کار ۸ ساعته و به رسمیت شناختن آزادی فعالیت سندیکاها را بپذیرد. برای نخستین بار در ایران جشن کارگری اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) به آزادی برگزار شد. جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان ایران در این دوره از فعالیت خود به تلفیق خواستهای اقتصادی و رفاهی کارگران با خواستهای سیاسی، دفاع از آزادیهای دموکراتیک و طرد تسلط استعمار از ایران نایل شد. از موفقیت های دیگر این دوران جنبش سندیکایی در کشور ما آن است که «اتحادیه مرکزی کارگران ایران» به عضویت سازمان بین المللی کارگران یعنی «سندیکای جهانی کارگران» پذیرفته شد.

جنبش سندیکایی و اتحادیه ای ایران در سالهای پیش از روی کار آمدن دیکتاتوری رضاخان، از عوامل عمده تامین آزادیهای دموکراتیک، اجرای مفاد قانون اساسی در زمینه رعایت حقوق مردم و تحقق دموکراسی در جامعه ایران بود. بی گمان رشد ادامه دار جنبش سندیکایی و اتحادیه ای در ایران، می توانست نقش بسیار مهمتری را در برخورداری جامعه ایران از آزادی و دموکراسی و دفاع از حقوق فردی و اجتماعی، که لازمه ادامه پیشرفت و ترقی بود، به عهده بگیرد. اما برای جلوگیری از رسیدن به همین هدفها بود که دولتهای استعماری به ویژه انگلیس با استفاده از نفوذ و تسلط خود در ایران، به سرهم بندی کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آوردن رضاخان پرداخت و دیکتاتوری طبقات حاکم فئودال - ملاک و سرمایه داری تجاری وابسته به استعمار را بر مردم ایران و طبقات زحمتکش حاکم کرد. سالهای خفقان جنبش سندیکایی در دوران رضاخان در سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ رضاخان قبل از هر چیز سرکوب جنبش سندیکایی و اتحادیه ای و جلوگیری از تشکل صنفی و طبقاتی طبقه کارگر ایران را هدف خود قرار داد. رضاخان این سرکوب را به توصیه اربابان استعمارگر انگلیسی خود از راه یورش مستقیم به سازمانهای کارگری و جلوگیری از فعالیت آزاد سندیکاها و اتحادیه ها انجام داد. چرا که خوب میدانست که کارگران سرسخت ترین مدافعان آزادی و استقلال ایرانند و تا آنها از حق فعالیت آزاد برخوردارند، سرکوب آزادی و فروش مصالح وطن به بیگانه کاری است دشوار و غیر ممکن. طی سالهای دیکتاتوری خونین رضاخان، پیشکسوتان جنبش سندیکایی ایران با برگزاری اعتصابات بزرگی مانند اعتصاب کارگران نفت جنوب در سال های ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ (که به محدود کردن کار روزانه به ۹ ساعت منجر شد)، تشکیل اتحادیه مخفی کارگران راه آهن در سال ۱۳۰۷ در شمال و برگزاری اعتصاب ۸۰۰ هزار نفری کارگران راه آهن بوسیله همین اتحادیه در سال ۱۳۱۱، نمونه های آشکاری از قدرت کارگران را در ادامه مبارزه در شرایط سخت به نمایش گذاشتند.

پیدایش حیات، ظهور و تکامل انسان (۲۵)

□○ تشریح مقایسه‌ای جنین، مغز استخوان‌بندی

✓ جریان تقسیم سلول در مراحل اولیه رشد جنین، به جریان موجودات پر سلولی که در دوره پیش از دوران اول از موجودات تک سلولی به وجود آمده‌اند، شباهت دارد. مقایسه‌ی رشد جنینی انسان، خرگوش، گاو، خوک، مرغ، لاک‌پشت، سمندر و ماهی برگرفته از کتاب تکامل نژاد انسان نوشته‌ی ارنست هگل جنین‌شناس آلمانی در سال ۱۸۷۴ میلادی؛ در مراحل نخست تشخیص این‌که جنین مربوط به چه حیوانی است مشکل است اما به تدریج شکل و شمایل آن‌ها ظاهر می‌شود. جنین موجودات زنده طی دوران رشد از مراحل مختلفی می‌گذرند که اجداد آن‌ها طی میلیون‌ها سال تکامل خود از آن گذشته‌اند.

✓ جنین چند هفته‌ای انسان و سایر پستانداران در بعضی موارد به ماهی شباهت دارد. شکاف‌های گوش ماهی در اطراف سر و تقسیمات گردن جنین انسان ظاهر می‌گردد. سازمان عروقی آن به دستگاه عروقی ماهی شباهت دارد. شکل عمومی جنین، دُم، شکاف‌های گوشک‌ها و تار پستی به ماهی شباهت دارد. همه موارد فوق نشان می‌دهد که ماهی نیز در میان اجداد اولیه انسان و پستانداران عالی‌تر قرار دارد

✓ مغز انسان در مرحله جنینی (چند هفته‌ای) دارای ساختمان بسیار ابتدایی است، اما مانند تمام پستانداران سه حباب اولیه دارد. پیشین و میانی و پسین.

✓ مقایسه‌ی مغز: انسان، شمپانزه، گوریل، اورانگوتان، ژیبون

✓ انسان از اجداد خزنده‌اش نیز بعضی از خصوصیات را به میراث برده است. که آن‌ها را می‌توان در جنین چند ماهه در رشد مغز و ساختمان و کیفیات اتصال دست و پا با بدن به سهولت تشخیص داد. طرز روییدن موهای بدن جنین به دسته‌های سه تایی و پنج تایی تا حدی با ترتیب فلس‌های جلد خزندگان بسیار قدیمی مطابقت دارد که اجداد پستانداران بوده‌اند.

✓ خصوصیات ناقص و اولیه دیگری در آنتورنی (تاریخ کامل تکامل فردی انسان) انسان دیده می‌شود که نشان می‌دهد انسان با پستانداران پست‌تر قرابت دارد. جنین شش هفته‌ای انسان دارای چند جفت غده پستانی اولیه است که موقتاً در امتداد برآمدگی پستان مشاهده می‌گردد. کرک‌های موپین کوتاه و نسبتاً ضخیمی همه بدن را به جز کف دست‌ها و کف پاها، می‌پوشاند.

✓ در جنین بین شش تا دوازده هفته ناحیه دنباله کامل مشخص می‌گردد و در آن انتهای يك ستون فقرات جنینی با هشت تا نه مهره دیده می‌شود در اواخر این دوره بخش خارجی دم تقلیل می‌یابد و كوچك می‌شود.

✓ در بین خصوصیات رجوع به اصل (اتاویسم) که متعلق به مرحله پستانداران است باید نکات زیر را افزود: رشد زیاد عضلات گوش که انسان را قادر می‌سازد گوش‌هایش را تکان دهد. رشد بطن‌های حنجره در قفسه سینه که بیش از يك سانتی متر عمق دارد. غدد پستانی، آثاری از دندان‌های اضافی، پرمویی فوق‌العاده بدن و چهره، و دم جنین.

✓ مقایسه‌ی دستگاه استخوان‌بندی انسان با، شامپانزه، گوریل، و اورانگوتان را می‌توان با هم مقایسه کرد.

مبانی اقتصاد سیاسی نوشته نیکی تین (۴۸)

✓ تولید کالایی ساده ناپایدار است. زیرا بین دهقان و صنعتگران دستی یک روند تجزیه‌ی طبقاتی و تشکیل طبقات جدید پیوسته در حال وقوع است، برخی (اقلیت) توانگرتر می‌شوند در حالی که بقیه (اکثریت) تهیدست‌تر می‌شوند. در شرایط فوق‌الذکر این جریان، هم در شهر و هم در روستا موجب تشکیل یک طبقه‌ی سرمایه‌دار و یک طبقه‌ی کارگر گردید.

✓ تولید کالایی سرمایه‌داری مانند تولید کالایی ساده، بر اساس تقسیم اجتماعی کار و مالکیت خصوصی وسایل تولید استوار است. لیکن، این گونه تولید کالایی نه بر کار شخصی خود تولیدکننده، بلکه بر استثمار کاری که به وسیله مالک وسایل تولید مزدور گردیده است، پایه‌گذاری شده است. سرمایه‌دار که هم وسایل تولید و هم پول در اختیار دارد، خودش کار نمی‌کند. او با پول خویش برای به حرکت انداختن وسایل تولید خود، نیروی کار می‌خرد. تبدیل شدن نیروی کار به یک کالا، نشان‌دهنده این است که در نظام سرمایه‌داری، تولید کالایی تکامل بیشتری یافته و عمومی‌تر شده است. لنین می‌نویسد مبادله‌ی کالا، به عنوان "ساده‌ترین، معمولی‌ترین، اساسی‌ترین، عمومی‌ترین رابطه، و نوع روزمره این رابطه در جامعه‌ی بورژوایی (جامعه‌ی کالایی) در می‌آید، رابطه‌ای که هزاران میلیون بار، با آن روبرو می‌شویم".

بنابراین باید تشریح کنیم که کالا، این سلول سازنده‌ی جامعه‌ی سرمایه‌داری، واقعاً چیست؟

کالا و کاری که کالاها را به وجود می‌آورد

ارزش مصرفی و ارزش کالا

✓ کالا فراورده ای است که پیش از هر چیز نیازمندی انسان را برآورد و در مرحله ی بعدی نه برای مصرف شخصی بلکه برای فروش، برای مبادله، تولید شده باشد. کسی که برای مصرف خویش چیزی تولید می کند، تنها فراورده ای تولید کرده است، نه یک کالا. برای آن که فراورده، یک کالا شود باید یک نیاز اجتماعی را مرتفع سازد یعنی باید تقاضایی را که از جانب اعضای دیگر جامعه نسبت به آن وجود دارد برآورده سازد.

کالا و کاری که کالاها را به وجود می آورد

ارزش مصرفی و ارزش کالا

✓ یک بررسی ساده کالا، دو جنبه را که دقیقن به یکدیگر وابسته اند، دو خصوصیت را، در آن آشکار می سازد که عبارتند از ارزش مصرفی و ارزش.

□ ♦ خصوصیت کالا برای رفع یک نیازمندی انسان، ارزش مصرفی آن نامیده می شود.

□ ♦ نیازی که کالا برآورده می سازد ممکن است شکل های بسیار گوناگونی داشته باشد.

□ ♦ کالا ممکن است یک شیئی تجملی و لوکس باشد مانند شراب های گرانبها، جواهرآلات و غیره، و نیز ممکن است یک وسیله تولیدی باشد مانند ماشین آلات، زغال سنگ، آهن و نظایر آن ها.



"لیلا حاجی پور" بانوی فرهنگی لرستانی با صعود به قله کالایاتار هیمالیا ،
پیام دوستی و انسانیت " نه برای کار کودک" را بر فراز این قله سرود



صفورا غله زاری (معلم بازنشسته اهل گیلان) کاغذ باطله‌های شهر را جمع می‌کند و با پولش کتابخانه می‌سازد. ساخت شش کتابخانه در یک سال و نیم حاصل کار اوست.